

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴

با «جواد جمیل» در سروده‌های عاشورایی (با تکیه بر دفتر شعر «الحسین لغة

ثانیة») * (علمی - پژوهشی)

دکتر نصرالله شاملی

استاد گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان

اصغر شهبازی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان

چکیده

حماسه بی‌همتای امام حسین (ع)، در شعر و ادب امروز، بازتابی گسترده دارد. بسیاری از شاعران، با الگوگیری از این حماسه، تلاش دارند ارزش‌هایی چون آزادی، ظلم‌ستیزی و پایداری را در جامعه ترویج دهند. جواد جمیل، شاعر نام‌آشنای شعر و ادب امروز عراق، از جمله این شاعران است که با تأثیرپذیری از این حماسه، مردم عراق را به بیداری و ایستادگی در مقابل ظلم دعوت می‌کند. او در دفتر شعرش که «الحسین لغة ثانیة» (حسین زبان دوم) نامگذاری کرده، با زبانی نمادین، غالب صحنه‌های عاشورا و شخصیت‌های موجود در آن را به تصویر درآورده است.

در این مقاله، تلاش داریم ضمن اشاره به زندگی‌نامه و شخصیت ادبی شاعر، ویژگی‌های مهم ادبی این مجموعه شعر و مضامین برجسته سروده‌های وی را بیان نماییم.

واژه‌های کلیدی: مضامین شعر عاشورایی، جواد جمیل، الحسین لغة ثانیة،

نمادگرایی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۴/۱۴

Dr_Nasrollashameli@yahoo.com

aliasghar.shahbazi@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۹/۲۳

نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

ارزش‌ها و مفاهیم والای حماسه‌امام حسین (ع) در طول تاریخ، همواره از دل سخنورانی پاک‌نهاد تراویده و نقش و نگاری دل‌ویز به پهنه‌ ادب بخشیده است. نخستین بارقه‌های این نوع از سروده‌ها، در همان سده‌های اول، در ادبیات تازی دیده می‌شود. تنها درنگی کوتاه در برخی از کتب تاریخی و مقاتل که درباره‌ حماسه‌امام حسین (ع) نگاشته شده، کافی است تا خواننده با سرآغاز و سیر تاریخی اینگونه از سروده‌ها آشنا گردد.^(۱) گستردگی این سروده‌ها موجب شد تا برخی از پژوهشگران کوشای معاصر، آنها را در کتاب‌هایی مستقل گردآوری کنند؛ به گونه‌ای که گاه حجم برخی از آنها تا چندین مجلد می‌رسد. تلاش بزرگانی چون «جواد شبّر»، مؤلف کتاب «ادب الطّف» و «مرضیه محمدزاده» صاحب اثر «دانشنامه شعر عاشورایی» در این راستا ستودنی است.

نگاه نو به حماسه عاشورا، در سروده‌های حسینی دوره معاصر چشمگیر است. این اشعار با مضامین و موضوعات جدید، در قالب‌های سنتی و نو در عرصه حضور داشته و روز به روز در حال گستردگی‌اند. توجه به جنبه‌های مختلف این حادثه، از ویژگی‌های شعر عاشورایی معاصر است. به تعبیر یکی از صاحب‌نظران: «چهار بُعد حادثه عظیم عاشورا؛ یعنی سوگ، حماسه، اندیشه و عرفان، در هیچ عصری به روشنی و زیبایی عصر ما در شعر حضور نیافته است» (سنگری، ۱۳۸۵: ۱۴). رویکرد سروده‌های امروز، برخلاف گذشته که تنها در رثا یا مدح و یا توجه به بُعد عاطفی عاشورا بود، خلاصه نمی‌شود؛ بلکه، نگاه امروز ابعاد دیگر این حادثه، از جمله: ابعاد معرفتی و حماسی را در برمی‌گیرد. شناخت واقعی این حادثه تاریخی نیز، در گرو توجه به جنبه‌های گوناگون آن است. «شهید مطهری» در کتاب «حماسه حسینی» ضمن انتقاد به نگاه یک‌جانبه به این حماسه، آن را در دو روی متفاوت از یک‌دیگر معرفی نموده و توجه به هر دو جنبه را ضروری می‌شمارد: «حادثه عاشورا و تاریخچه کربلا دو صفحه دارد، یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک و ظلمانی که هر دو صفحه‌اش یا بی‌نظیر است و یا کم‌نظیر؛ اما صفحه سیاه و تاریک، از آن نظر سیاه و تاریک است که در آن فقط

جنایت بی‌نظیر و یا کم‌نظیر می‌بینیم. از این نظر حادثه کربلا یک جنایت است، یک مصیبت است، یک رثا است [...] اما آیا تاریخچه عاشورا فقط همین یک صفحه است؟ آیا فقط رثا است؟ فقط مصیبت است و چیز دیگری نیست؟ اشتباه ما همین است. این تاریخچه، یک صفحه هم دارد که قهرمان آن صفحه، دیگر پسر معاویه نیست، پسر زیاد نیست، پسر سعد نیست، شمر نیست. در آنجا قهرمان حسین است. در آن صفحه، دیگر جنایت نیست، تراژدی نیست؛ بلکه، حماسه است، تجلی حق پرستی است» (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۲۱-۱۲۴).

۱-۱- بیان مسئله

نوگرایی در سبک، موضوعات و مضامین در این نوع از سروده‌ها را می‌توان در آثار سخنوران پرشور انقلابی ملاحظه نمود. «جواد جمیل»، شاعر نوپرداز عراق، از جمله آنهاست که با به‌کارگیری قالب سنتی و نو و با زبانی نمادین، به توصیف حماسه امام حسین (ع) پرداخته و اثری مستقل به نام «الحسین لغة ثانية» بر جای نهاده است. در این اثر شاعر به جزئیات حادثه، شخصیت‌های حاضر در صحنه عاشورا، یاران امام حسین (ع) و دشمن، توجه خاصی دارد. او می‌کوشد تا عظمت واقعه را از دریچه‌ای دیگر بنگرد و با زبانی غیر از زبان گذشته بیان دارد. با توجه به این مطلب، در گفتار حاضر، تلاش داریم با بررسی سروده‌های عاشورایی جواد جمیل؛ به عنوان یکی از شاعران نوگرای امروز، به دو سؤال زیر پاسخ دهیم:

الف) مهم‌ترین خصائص ادبی دفتر شعر «الحسین لغة ثانية» چیست؟

ب) مهم‌ترین مضامین و درونمایه‌های عاشورایی که جمیل در مجموعه شعرش به آنها توجه دارد، کدامند؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

در تحلیل و نقد سروده‌های عاشورایی معاصر، کتبی چون: «عاشوراء فی الأدب العالمی المعاصر» (حسن نورالدین، ۱۴۰۸ ه) و «امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی» (انسیه خزعلی، ۱۳۸۳ ش) نگاشته شده است. پژوهش‌هایی نیز، در قالب مقاله به انجام رسیده است که از جمله آنها موارد زیر می‌باشد:

الف) «قیام امام حسین (ع) و شعر نو معاصر عربی» (فرامرزی میرزایی، ۱۳۸۳ ش).

ب) «نقد و مقایسه تصویرپردازی (تشبیه) هنری در شعر عاشورایی فارسی و عربی» (سید محمد میرحسینی و نرگس انصاری، ۱۳۸۸ ش).

ج) «سیمای امام حسین (ع) در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی با تکیه بر اشعار برجسته شاعران سده اخیر» (عبدالعلی آل بویه لنگرودی و نرگس انصاری، ۱۳۸۹ ش).

در باره سروده‌های عاشورایی «جواد جمیل» نیز، مطالبی به ایجاز در کتاب «امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی» اثر «انسبه خزعلی» ذکر شده است که تحلیلی کلی و گذرا از سروده‌های شاعر در باب عاشوراست. با توجه به این پیشینه، نگارندگان سعی دارند پس از درنگی کوتاه، درباره زندگی و شخصیت ادبی جواد جمیل، به بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی و درونمایه‌های کتاب «الحسین لغة ثانية» پردازند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

مجموعه شعر «الحسین لغة ثانية» از معدود مجموعه‌های شعری است که به طور خاص به موضوع عاشورا اختصاص یافته است. شاعر، بازتاب عاشورا را با موضوعات عصر حاضر پیوند زده و با زبانی نو ترسیم نموده است. شناخت و معرفی این اثر در ادبیات آیینی؛ به عنوان اثری قابل توجه، شایسته درنگ و بررسی است.

۲- بحث

۲-۱- شعر عاشورایی

ادبیات عاشورا که ادب طف^(۱) نیز، نامیده می‌شود، دربرگیرنده تمامی نیایش‌ها، مرثیه‌ها، مقاتل و مصیبت‌نامه‌ها، نمایش‌نامه‌ها و نظایر آن در موضوع عاشوراست که محتوایی ارشادی و تعلیمی دارد (افتخارزاده، ۱۳۷۴: ۸۲). شعر عاشورایی نیز، بخشی از گستره عظیم ادبیات عاشورایی است. این سروده‌ها، پیرامون «توصیف شخصیت‌های عاشورا، توصیف صحنه‌های جنگ کربلا، حوادث قبل و بعد از آن و نیز، پیوند تاریخ و تطبیق تاریخ با آن حادثه است» (کافی، ۱۳۸۶: ۳۵). باید توجه داشت که مضامین این

نوع از سروده‌ها هم مستند و متکی به منابع معتبر تاریخی و حدیثی باشد و هم چهره منفی و انحرافی از شخصیت‌های عاشورا که رنگ ذلت و زبونی دارد یا آمیخته به اغراق است، نداشته باشد (محدثی، ۱۳۸۷: ۲۵۲-۲۵۳).

چنان‌که از گذشته سروده‌های عاشورایی برمی‌آید، سده نخست هجری، سرآغاز این نوع از سروده‌ها در ادب تازی است. این سروده‌ها، در همان سده‌های نخستین هجری با حمایت اهل بیت (ع)، به دست سرایندگان شیفته اهل بیت (ع) چون: کمیت (۶۰-۱۲۶ ق)، سید حمیری (۱۰۵-۱۷۸ ق)، دعبل خزاعی (۱۴۸-۲۴۶ ق) و دیگر سرایندگان، شکوفا گشته و روز به روز بالنده‌تر شد؛ تا جایی که امروز، برخی از محققان، حجم تمام این سروده‌ها را فراتر از صدها مجلد کتاب دانسته‌اند (شبر، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۸) و برخی دیگر، رثای حسینی را پرکاربردترین موضوع شعری به شمار آورده که در زبان فصیح و عامیانه، نمونه‌های فراوانی دارد (شمس‌الدین، ۱۴۱۷: ۱۳۵). این در حالی است که زبان‌های دیگر از جمله: فارسی، ترکی و اردو نیز، گنجینه‌هایی گرانبها از این سروده‌ها در بر دارند که نقطه‌ای مشترک در ادبیات این زبان‌ها به شمار می‌آید.

۲-۲- جواد جمیل، شاعر ادب پایداری

حسن بن عبدالحمید سنید، معروف به جواد جمیل، شاعر برجسته و نام‌آشنای شعر و ادب امروز در سال ۱۳۷۳ هـ / ۱۹۵۴ م در شهر سوق‌الشیوخ، واقع در استان ناصریه، در جنوب عراق دیده به جهان گشود. وی غالباً در صحنه‌های سیاسی با نام «حسن سنید»، شناخته می‌شود، در امور سیاسی، فرهنگی و روزنامه‌نگاری حضوری فعال دارد.

اشعار او به دلیل همراهی با احساس انقلابی که در وجود اوست، کوبنده و تند جلوه کرده و گاه با طنزی گزنده همراه می‌شود. در نظر او محتوا و مضمون اهمیت بیش‌تری نسبت به فرم و ساختار شعر دارد؛ از این رو، رسالت اصلی شاعر را بیان آلام جامعه و تلاش در رفع آن می‌داند. او در تمام سروده‌هایش، نوای پایداری و تغییر شرایط نامطلوب جامعه عراق را سر داده و با تمام وجود در پی زدودن محرومیت‌ها و رنج‌های مردم جامعه خویش است؛ از این رو، مسائل

مربوط به جامعه و مردم، بیش از هر چیز دیگر در فضای سروده‌هایش خودنمایی می‌کند. خود وی نیز به صراحت به این امر اذعان دارد:

«إِذْ تَقْرَأُ فِي دَفَاتِرِي / قَصَائِدَ الْغَضَبِ / حَذَارُ / إِنَّهُ اللَّهُبُ! [...] هَذَا أَنَا، حِلْمِي مِنَ الْجَمْرِ / وَأَعْصَابِي حَطَبُ / هَذَا أَنَا / جُرْحُ / وَحُبُّ / وَعَضْبُ!» (جمیل، ۱۹۹۱: ۷۵).

آنگاه که چکامه‌های خشم مرا در دفترهایم می‌خوانی، زینهار! که آن چونان آتش، شعله‌ور است. این منم، شکیبایی‌ام از اخگر، اعصابم هیزمی آتشین! این منم، همراه زخم، عشق و خشم!

۲-۳- سروده‌های عاشورایی جمیل

پیام‌ها و ارزش‌های قیام امام حسین (ع)، الگوی نهضت‌های بسیاری در عصر کنونی است. شاعران مقاومت با مددجویی از این ارزش‌ها، روح مقاومت بر جامعه می‌دمند. جمیل هم در سروده‌هایش «پیوندی عمیق میان واقعه عاشورا و فضای استبدادی عراق در دوران حکومت بعثی‌ها برقرار می‌کند» (روشنفکر و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷۰) و پیام‌ها و ارزش‌های عاشورا را الگوی خود می‌داند:

«وَمَا زَالَ فِي الطِّفْلِ يَمْتَدُّ لَوْنُ الدِّمَاءِ / وَمَا زَالَ فِينَا... / حُسَيْنُ / وَجُرْحُ / وَاللَّهُ أَكْبَرُ» (جمیل، ۱۴۰۶: ۷۲).

همچنان در کربلا رنگ خون امتداد دارد و همچنان در میان ما حسین (ع)، زخم و فریاد الله اکبر وجود دارد.

به عقیده او عظمت امام حسین (ع) فراتر از آن است که بتوان آن را در واژگان خلاصه کرد و این عظمت تنها با زبانی نو که «زبان دوم» نام نهاده، قابل بازخوانی است:

«لَمْ تَزَلْ بَيْنَ جُرْحِ الْحُسَيْنِ / وَبَيْنَ قَصَائِدِنَا... / مُدُنٌ قَانِيَةٌ / وَلِكِي نَقْرًا الْجُرْحِ، لَا بُدَّ مِنْ لُغَةٍ ثَانِيَةٍ!» (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۶۰).

همواره میان زخم و آلام حسین (ع) و چکامه‌های ما، خونین شهرهایی وجود دارد و برای آنکه این درد را بخوانیم، به زبان دومی نیازمندیم.

در اینجا، برای آنکه بتوانیم نگاه شاعر را به این حماسه دریابیم، ضروری است مروری اجمالی بر سروده‌های او در کتاب «الحسين لغة ثانية» و ویژگی زبانی و

ساختار سروده‌های وی داشته باشیم؛ سپس، به مضامین و دورنمایه‌های عاشورایی مطرح در آن پردازیم.

۲-۳-۱- دفتر شعر «الحسین لغة ثانية»

این مجموعه شعر در برگیرنده اشعار نو و کلاسیک است. شاعر در چهار بخش، با عنوان‌های «الرؤی» (رؤی‌ها)، «المشاهد» (صحنه‌ها)، «الأبعاد» (بعدها) و «النُّبوءات» (پیش‌بینی‌ها)، حادثه عاشورا را به تصویر کشیده است. تخیل قوی و ژرف او در این اثر، حادثه را چون نمایشی دل‌انگیز در برابر خواننده به اجرا می‌گذارد که از نخستین پرده نمایش تا آخرین پرده «النُّبوءة الأخيرة» (پیش‌بینی پایانی)، نظم و پیوندی معنا دار در آن دیده می‌شود؛ گویی شاعر با ماشین زمان، رو به سوی گذشته نهاده و با واقعه همراه گشته است و تمام جزئیات ماجرا را از نزدیک دیده، و اینک در پی بازخوانی این حادثه در ذهن خویش است:

شاعر در آغاز، پذیرای دشواری و تلخی ناگوار واقعه کربلا نیست؛ از این رو، به بازخوانی حادثه در رؤیای خویش پرداخته و در ۱۵ عنوان «الرؤی» (رؤی‌ها) زمینه‌ساز پذیرش عظمت و باور مصیبت می‌شود. ترسیم صحنه‌های واقعه کربلا در بخش دوم این مجموعه، یعنی «المشاهد» (صحنه‌ها)، دریچه دیگری است که از واقعه به تصویر می‌کشد، او در ۱۰ مشهد (صحنه) وارد حوادث کربلا می‌شود، آنچه را می‌نگرد و می‌شنود با زبانی که در حقیقت زبانی نمادین است، بیان می‌کند. قدرت تصویرگری شاعر در این بخش، به گونه‌ای است که گویی شاعر در تمام لحظات حادثه حضور دارد. در بخش سوم که «الأبعاد» (بعدها) نام گذاری شده است، شاعر به جنبه‌های شخصیتی یاران امام (ع) و دشمن می‌پردازد و تلاش می‌کند ویژگی‌ها و شاخصه‌های مثبت و منفی افراد را در حادثه توصیف کند، احساسات آن‌ها را از درونشان بیرون می‌کشد و بر زبان‌شان جاری می‌سازد، این همان زبان دومی است که شاعر به دنبال آن است. علی‌اصغر (ع) و حرّ، از جمله یاران حسینی است که شاعر از آنها یاد می‌کند و عبدالله بن جعفری، شمر، عمر بن سعد، مالک بن نسر، شبت بن ربیع، حرمله بن کاهل و سنان بن انس در جبهه دشمن، از افرادی هستند که شاعر به ترسیم بُعد شخصیتی آنها پرداخته است.

او شخصیت‌های پیروز و شکست خورده، خوب و بد، زشت و زیبا را نه از نگاه بیرونی، که از عمق جانشان با ظرافت و نکته‌بینی به خواننده معرفی می‌کند. در هر شعر، با عنوانی متناسب همان شخصیت، به تبیین ویژگی‌های شخصیتی فرد می‌پردازد؛ به عنوان نمونه، حرّ را به دلیل توبه و گرایش به سپاه امام (ع) در «البعد المتغیر» (بعد دگرگون شده)، شمر را با توجه به چهره شوم وی در «البعد الأسود» (بعد سیاه) و عمر سعد را به علت پروراندن رؤیای دستیابی به حکومت ری در «البعد الوهمی» (بعد خیالی) به تصویر می‌کشد. شاعر پس از این مرحله، از صحنه خارج شده و با گذر از حیطة زمان و مکان کربلا، نظاره‌گر افق‌های برآمده از این حادثه می‌شود و نتایج مثبت و ثمرات آن را بیان می‌دارد. در گستره تاریخ، غالب و مغلوب را جستجو می‌کند و از آینده خبر می‌دهد. او در بخش «النبوءات» (پیش‌بینی‌ها) که بخش پایانی است در ۱۳ قسمت، به تحلیل ماجرا می‌نشیند و به دنبال پیروز راستین حادثه می‌گردد (خزعلی، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

۲-۴- نگاه‌ها به زبان و ساختار سروده‌ها

آنچه با نگاه نخست به این مجموعه قابل ذکر است، وحدت موضوعی آن است؛ به طوری که این کتاب از معدود مجموعه‌های شعری است که صرفاً به نهضت امام حسین (ع) اختصاص یافته است. شاعر در کنار وحدت کلی موضوع، تا حدّ بسیاری توانسته، تنوع مضامین را حفظ کند و آن را از یکنواختی برهاند. از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی این مجموعه می‌توان این موارد را نام برد: الف) جان بخشی به اشیاء (تشخیص)، ب) عنصر رنگ، ج) نمادگرایی.

۲-۴-۱- جان بخشی به اشیاء (تشخیص)

آنچه با نگاه نخست به این مجموعه بر خواننده روشن می‌شود، ارتباط عمیق جمیل با برخی از عناصر طبیعی است. در پندار وی بی‌جانان خاموش نیز، جان می‌گیرند و به سخن می‌آیند؛ باد، آب، دریا، شن، نخل، پرندگان و... در تب و تابند؛ گاه در شمار سوگواران و گاه در صف یاران حماسه‌ساز. سخنور به یاری این ترفند هنری که تشخیص یا آدمی‌گونگی نام دارد «پدیده‌های بی‌جنب و جوش را زندگی می‌بخشد و به تلاش و تکاپو در می‌آورد تا کوبندگی و نیروی

بیشتری به سخن خویش بدهد» (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۲۷). خود شاعر در گفت-
وگو با روزنامه «الشرق الأوسط» به صراحت در این باره می‌گوید: «دَخَلْتُ إِلَى
تَجْرِيدِيَاتِ الْأَشْيَاءِ [...] مِثْلَ الرَّمْلِ الَّذِي تَفَاعَلْتُ مَعَهُ كَمُفْرَدَةٍ تَفَاعَلُ مَعَ الْبَطْلِ،
حَيْثُ تَعْطَفُ لَجَسَدِهِ، وَتَرْتَبِي لِسَنَابِكِ الْخَيْلِ الَّتِي وَطَّئْتُ صَدْرَهُ، وَتَفَاعَلْتُ مَعَ
«الماء» الَّذِي يُرِيدُ أَنْ يَتَطَهَّرَ بِدَمِ الشَّهِيدِ... وَهَذَا الْمَاءُ الَّذِي امْتَنَعَ عَنِ الْحُسَيْنِ تَحَوَّلَ
إِلَى خَيْطٍ مِنَ الْمَلْحِ ثُمَّ انْتَحَرَ... وَالنَّخْلُ الَّذِي اسْتَحَى وَخَجَلَ وَهُوَ يَرَى قَطْرَةً مِنْ
دَمِ الْبَطْلِ وَأَبَتْ جُدُورُهُ الْإِفْتِرَابَ مِنْ هَذِهِ الْقَطْرَةِ...» (الشرق الأوسط، ۲۰۰۲: ۶
<http://www.aawsat.com>).

در این مجموعه به مفاهیم انتزاعی اشیاء وارد شدم؛ اشیائی مانند «شن»، که با
آن چون واژه‌ای پیوند خوردم و همچون واژه‌ای که با قهرمان (حماسه) تعامل
دارد، آنگاه که با پیکرش همدردی نموده و بر سُم ستورانی که سینه او را
لگد کوب ساختند، افسوس می‌خورد و با «آب» که در آرزوی پاک شدن با خون
شهید است، رابطه برقرار ساختم... آبی که بر امام حسین (ع) بسته شد، به رشته‌ای
از نمک تبدیل شد و از میان رفت... همچنین با «نخل» شرمگین (پیوند برقرار
نمودم) در حالی که با دیدن قطره خون قهرمان، ریشه‌هایش از نزدیک شدن به آن
خوداری کرد؛ به عنوان نمونه، شاعر در «النبوءة التاسعة» (پیش‌بینی هفتم)
خورشید، صحرا، ابر و باد را این گونه به تصویر درآورده است:

«الشَّمْسُ تَعْرِفُ وَجْهَهُ النَّبَوِيِّ / وَالصَّحْرَاءُ قَدْ خَطَفَتْ عَذَابَهُ / وَبَكَفَهُ اشْتَعَلَ النَّدَى
الْمَجْنُونُ، / وَاحْتَرَقَتْ سَحَابَهُ! / لَا تَحْمِلِي يَا رِيحُ صَرْخَتَهُ / إِلَيَّ زَمَنِ التُّرَابِ...»
(جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۷).

۲-۴-۲- عنصر رنگ

رنگ‌ها در این اثر جایگاه مهمی دارند. وسعت دید شاعر به جلوه‌های عاشورا،
موجب خودنمایی انواع رنگ در تصاویر شعری وی شده است. این نگرش به رنگ-
ها، نشان دهنده این است که شاعر تأثیرات روحی و روانی رنگ‌ها را شناخته و با
آگاهی از آنها، تصاویر زیبا و بدیعی خلق کرده است؛ ضمن اینکه گاه از این عنصر
طبیعی برای بیان مفاهیم بیان نشدنی و نمادین اندیشه و خیال خود بهره گرفته است. هر

یک از این رنگ‌ها، متناسب جایگاه خویش و با معنایی ویژه به کار رفته است. در اینجا با معرفی رنگ‌های موجود در این اثر، به توضیح مهم‌ترین آنها می‌پردازیم. جدول زیر، فراوانی رنگ‌هایی را که در این مجموعه به کار رفته است، نشان می‌دهد:

جدول فراوانی رنگ‌های موجود در دفتر شعر الحسین لغة ثانية

| رنگ‌ها | خاکستری | سبز | سفید | قرمز | سیاه | آبی |
|--------|---------|-----|------|------|------|-----|
| تعداد | ۲۶ | ۴ | ۴ | ۳ | ۳ | ۲ |

شایان ذکر است که افزون بر این رنگ‌ها، واژگانی در این مجموعه به کار رفته است که الهامگر برخی از رنگ‌ها هستند؛ واژگانی مانند: لیل (شب)، صبح، شمس (خورشید) و ضوء (نور) از آن جمله‌اند. لفظ «لون» (رنگ) نیز، با تمام مشتقاتش ۱۵ بار در این مجموعه به کار رفته است. چنان‌که جدول نشان می‌دهد، لفظ «رماد» و «رمادی» بر روی هم ۲۶ مرتبه به کار رفته که پربسامدترین رنگ این مجموعه است. مفهومی که این رنگ در اشعار بیان می‌کند، پلیدی روزگار در زمان امام (ع) و آمیختگی نیرنگ و ریا با درون غالب مردم آن دوران است. در «الرؤیا الرابعة» (رؤیای چهارم) این فضای آلوده در پیکر جامعه، با رنگ رمادی (خاکستری) بیان شده است:

لَيْسَ فِيهِ سِوَى غُمُوضٍ رِمَادِيٍّ وَمَا خَبَّئَتْ عَيْنُونَ الضَّحِيَّةَ
(همان: ۲۱)

در آن (جامعه) جز پیچیدگی‌های خاکستری رنگ و آنچه چشمان قربانیان پنهان کرده‌اند، چیزی وجود ندارد.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، شاعر شرایط نابه‌سامانی را که مردم آن روزگار زندگی می‌کردند با رنگ خاکستری ترسیم می‌کند. این اوضاع نامطلوب به گونه‌ای است که امام حسین (ع) را به مخالفت با شرایط حاکم وا می‌دارد:

«عَاصِفَاتُ رِمَادِيَّةٌ سَكَّتْ غَمْدَ سَيْفِي / وَالْأَكْفُؤُ التِّي بَايَعْتَنِي / تَعَرَّتْ عَلَيَّ بَرَكَةٌ / مِنْ خِوَاءِ وَرَيْفٍ!» (همان: ۳۷).

طوفان‌های خاکستری رنگ، غلاف شمشیر مرا فرا گرفتند و دستانی که با من بیعت کردند، به آبگیری از پوچی و ریا بدل شدند.

رنگ «اخضر» (سبز) از دیگر رنگ‌های موجود در این اثر است که شاعر در همان آغاز این اثر (قسمت اهداء) به کار برده است: «لَنْ أَهْدِيَهُ لِأَحَدٍ لَأَنَّ (الْم) مَا زَالَتْ خَائِفَةً، وَالْأَخْضَرَ الَّذِي ارْتَدَى الْغِيَابَ، لَمْ يَعُدْ بَعْدُ!»، که اشاره‌ای به مهدی موعود (عج) دارد. در «الرؤيا الثانية عشرة» (رؤیای دوازدهم) شاعر پیکر سبز رنگ حضرت را بر روی شن‌های خونین می‌بیند:

«لَمْ نَكُنْ نَسْمَعُ مَا قَالَ / وَلَكِنَّا رَأَيْنَا قَمَرًا غَادَرَ كَفَيْهِ ... وَتَوَرَّسَ / وَرَأَيْنَا ظِلَّهُ الْأَخْضَرَ / مُنْقُوشًا عَلَى الرَّمْلِ الْمُدْمَى» (همان: ۴۰).

ما آنچه را که گفت، نمی‌شنیدیم؛ ولی ماهی را نظاره کردیم که دستانش را خالی گذاشت و مرغ دریایی را (که از دستانش جدا شد) سایه سبز رنگش را دیدم؛ در حالی که بر شن خونین نقش بسته بود.

رنگ «ابيض» (سفید) در این مجموعه ۴ بار به کار رفته است. این رنگ را می‌توان در معنای امید و پایان غم‌ها دانست. یکی از موارد کاربرد این رنگ به تصویر کشیدن پاکی و آراستگی امام حسین (ع) است:

«كَانَ لِلْمَاءِ وَجْهٌ غُضْفُورَةٌ بَيضاءَ / أَعْرَى الْوَادِيَّ عَلَيْهَا الذَّنَابَا»

(همان: ۴۳)

در آب چهره گنجشکی سپید بود که آن دره گرگ‌ها را به دنبال او انداخت (دشمنان را علیه او برانگیخت).

از دیگر رنگ‌های این اثر، رنگ «احمر» (سرخ) است. این رنگ نماد پیروزی است. ادراک حسی آن به صورت میل و اشتها ظاهر می‌شود. محتوای عاطفی آن آرزو و آمال است (لوشر، ۱۳۸۴: ۸۷). بارزترین مفهوم نمادینی که شاعر از این رنگ الهام می‌گیرد، مفهوم شهادت، مبارزه و مرگ مقدس است که بیت زیر نشان می‌دهد:

«هَكَذَا صَارَتِ الشَّمْسُ فِي رَمْسِهِ تَتَكَسَّرُ / هَكَذَا صَارَ ظِلُّ الْحُسَيْنِ / عَلَى الْمَاءِ أَحْمَرٌ...» (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۲).

اینچنین خورشید در مژگان او شکست و اینچنین سایه حسین (ع) بر آب سرخ رنگ گشت.

رنگ «اسود» (سیاه) در روانشناسی رنگ‌ها، بیانگر پوچی و نابودی، ترک علاقه، تسلیم و انصراف نهایی است (لوشر، ۱۳۸۴: ۹۷-۹۸). انتخاب این رنگ در این مجموعه فضای ذهنی شاعر را نسبت به دشمنان حماسه عاشورا نمایان می‌سازد. شاعر، عنوان یکی از اشعار خویش «البعد الأسود» (بعد سیاه) نام نهاده است که در آن از قاتل امام حسین (ع) سخن می‌گوید؛ همچنین در جای دیگر، در داستان مالک بن نسر، یکی از دشمنان سرسخت امام حسین (ع) در کربلا، بارانی سیاه می‌بیند که توان لمس آب پاک فرات را ندارد:

«فِي كَفِّهِ الشَّوْهَاءُ / غَمَامَةٌ مَجْدُورَةٌ، / وَحَفْنَةٌ مِنْ مَطَرٍ سَوْدَاءٍ / وَكَلَّمَا حَاوِلَ / أَنْ يَدْتُوَ (لِلْفِرَاتِ) / أَوْ يَمْسَ مِنْهُ قَطْرَةً / يَسْقُطُ وَجْهَ الْمَاءِ!» (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۰۸-۱۰۹).

در داستان زشت او، ابری آبله‌گون و مشتی از باران سیاه وجود دارد. وی هر گاه که آهنگ نزدیک شدن به فرات را می‌کرد تا قطره‌ای از آن بگیرد، چهره آب فرو می‌افتاد.

۲-۴-۳- نمادگرایی

رویکرد شاعر به نمادها در تصاویر عاشورایی، از ویژگی‌های بارز این اثر است. مقصود از رمز که از آن در زبان فارسی با عنوان نماد و در زبان انگلیسی سمبل (Symbol) یاد می‌شود «هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی است که بر معنی و مفهومی ورای آنچه ظاهر آن می‌نماید، دلالت دارد» (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۴). شاعر در این مجموعه از زمزمه‌های آب، سوز باد، حسرت فرات و ... گرفته تا شخصیت‌های حاضر در صحنه، سخن می‌گوید تا عواطف درونی خویش را نسبت به حماسه بیان نموده و پیام آن را به مخاطب امروز برساند. در این راستا از نماد، اشاره و الهام مدد می‌جوید. در این مجموعه، نمادها همواره در دو حوزه معناگرایی و تصویرآفرینی نقشی عمیق ایفا می‌کنند. در اینجا چند نمونه از برجسته‌ترین نمادهای به کار رفته در این اثر را از دیده می‌گذرانیم:

الف) ماء (آب): این کلمه ۴۳ مرتبه در این مجموعه به کار رفته است که گاه در معنای اصلی و گاه در معنای نمادین خود تبلور یافته است. یکی از معانی نمادین آن پاکی، شویندگی و تطهیر است که در بیت زیر بیان گشته است:

«يَوْمَهَا كَانَ صَوْتُ الْحُسَيْنِ / يَهْزُ الْقُلُوبَ الصَّادِقِينَ / يَا إِلَهِي فَطَرَةَ مَاءٍ جَرِيئَةً /
لَا لِأَطْفَى الْحَرَائِقِ فِي رِئْتِي / وَلَكِنْ لِأَمْسَحَ لَوْنِ الْخَطِيئَةِ» (جميل، ۱۹۹۶: ۱۴۴).

آن روز صدای حسین (ع)، دل‌های زنگار زده را به لریزه در می‌آورد: ای خدای من، قطره‌ای آب (عطا فرما)، نه برای آنکه آتش درونم را خاموش سازم؛ بلکه رنگ اشتباه را با آن پاک کنم.

ب) عُصْفُور (گنجشک): این کلمه که به صورت مفرد ۶ بار و به صورت جمع هم ۶ مرتبه به کار گرفته شده است؛ نماد پیام‌آوری، احساس‌های معنوی، آرمان و آرامش و روح است:

«لَا تَبْحَثُوا فَاخْلَفَ كُلُّ جُرْحٍ عُصْفُورَةً تُبَيِّنُكُمْ عَنْ صُحْبِ!»
(همان: ۱۳۷)

(مرا) جستجو نکنید؛ زیرا در پشت هر زخم و دردی، گنجشکی از سپیده صبح خبر خواهد داد.

در جای دیگر شاعر برای ترسیم آرامش معنوی از این سمبل استفاده می‌کند:

«صَمْتُهُ مِثْلُ مِثْلِهِ / كُلَّمَا فَرَشَتْ ظِلَّهَا / هَوَمَتْ فِيهِ عُصْفُورَةٌ / وَعَقَتْ سَوْسَنَةً» (همان: ۱۹).

سکوت او حسین (ع) گلدسته‌ای است که هرگاه سایه گستر شود، گنجشکی در آن آرام گیرد و گل سوسنی به خواب رود.

ج) ذَنْب (گرگ): شاعر برای بیان درنده‌خویی، وحشی‌گری، مرگ و ویرانی، از مفهوم نمادین ذنب (گرگ) بهره گرفته است. این واژه ۴ مرتبه به صورت مفرد و ۱ بار به حالت جمع در این دفتر به کار رفته است. شاعر برای به تصویر کشیدن چهره یزیدیان در حادثه عاشورا، این نماد را به کار می‌برد. در شعر «الْبَعْدُ الْوَهْمِي» (بعد خیالی)، در توصیف حال عمر بن سعد چنین می‌خوانیم:

«جِلْدُ أَعْيَى وَجْهِي، وَخَلْفَ عَيْوَنِي ذَنْبَةٌ فِي أَوَاخِرِ اللَّيْلِ تَعْوِي»
(همان: ۱۰۶)

چهره‌ام چون پوست مار افعی است و در پشت چشم‌هایم گرگی است که در پایان شب زوزه سر می‌کشد.

(د) **دَم (خون):** این واژه با دیگر مشتقات خود (دَمَاء و مُدَمِّی) ۲۷ مرتبه به کار رفته است که افزون بر معنای اصلی خویش، گاه نمادی برای انقلاب و قیام است؛ برای نمونه ابیات زیر از آن جمله‌اند:

«صِیرِی فَطَرْتِینِ؛ دَمًا سَمَاوِیًّا... وَمَاءًا / فَالِدَمَّ یَرْسُمُ وَجْهَهُ / وَالْمَاءُ یَرْسُمُ أَنْبِیَاءًا!»
(همان: ۱۴۸).

شاعر باد را خطاب قرار داده و چنین می‌گوید: دو قطره شو؛ یک قطره خون از جنس آسمان... و یک قطره آب؛ خون چهره (انقلابی‌اش) را و آب پیامبران را تصویر می‌کند.

و در جای دیگر، شاعر حماسه حسینی را، نخستین قیام در خون حروف معرفی می‌کند:

«وَيَكُونُ الْحُسَيْنُ أَوَّلَ حَرْفٍ جَرَحَ الصَّمْتَ فِي دَمِ الْأَبْجَدِيَّةِ!»
(همان: ۲۲)

امام حسین (ع)، نخستین حرفی است که سکوت را در خونِ الفبا به خروش آورد.

(ه) **لیل (شب):** این واژه ۱۱ بار در این اثر عاشورایی به کار رفته است که افزون بر معنای حقیقی خویش، معنای نمادی نیز از آن برداشت می‌شود. پلیدی روزگار، سکوت و خفقان یأس‌آور مفاهیمی است که این واژه تداعی بخش آن است؛ به عنوان مثال:

«مَنْ قَالَ إِنَّ اللَّيْلَ قَدْ دَفَنَ الْوَادِيَّ
هَذَا صَهِيلُ الْخَيْلِ يُغْلِنُ مِيْلَادِيَّ»
(همان: ۱۳۱)

که گفت که تاریکی شب آن دره (فضای جامعه) را فرا گرفت؟ این شیبه اسب‌ها تولد مرا خبر می‌دهد.

همچنین در جای دیگر، اینچنین می‌خوانیم:

«أَطْفَاتٌ مُقَلَّتِيهِ زَنْزَانَةُ اللَّيْلِ وَأَخْفَتُ دُبُوكَهُ الْجُدْرَانُ
وَيَمُرُّ الْحُسَيْنُ، فَنَدِيْلُهُ الدَّمْعُ وَأَذْرَاجُ حَلْمِيهِ الْأَخْزَانُ»
(همان: ۷۸)

زندان شب چشمان او را خاموش کرد و دیوارها پژمردگی آن را پنهان ساخت. حسین(ع) (در این شب) می‌گذشت، در حالی که چراغش اشک و مسیر بردباری اش غم‌ها بودند.

۲-۵- مضمین و درونمایه‌های عاشورایی

مقصود از درونمایه و مضمون در آثار ادبی، عبارت از «فکر اصلی و مسلط در هر اثری است؛ خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد... درونمایه هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد» (داد، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

در این مجموعه از بیش‌تر جزئیات حماسه‌عاشورا سخن گفته شده است؛ عزت و عظمت حماسه‌سازان، جاودانگی و پیروزی حقیقی، شهادت‌طلبی و ظلم‌ستیزی، صبر و پایداری، رشای شهیدان، تشنگی حقیقی از جمله مضمین برجسته این دفتر است که هر یک با ذکر مثال بیان می‌گردد:

۲-۵-۱- عزت و عظمت حماسه‌سازان

از روشن‌ترین پیام‌های دین مبین اسلام که در عاشورا نیز تبلور یافت، عزتی است که در سایه جهاد به دست می‌آید. عزت، چه به عنوان خصلت فردی یا روحیه جمعی، به معنای صلابت نفس داشتن، کرامت و والایی روح انسانی و حفظ شخصیت است. آنان که از عزت برخوردارند تن به پستی و دنائت نمی‌دهند؛ بنا به آیات الهی، ایزد سبحان عزیز است و عزت و عظمت را برای خود و پیامبران و صاحبان ایمان قرار داده است: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (المنافقون: ۸).

او با دریافتی شاعرانه و زبانی نمادین، زمزمه‌های پاسداشت حماسه‌سازان را سر می‌دهد که در این میان آنچه بیش از همه مخاطب را به خود جلب می‌سازد، نگاه شاعر به امام حسین(ع) است. نام حضرت ۳۸ بار به کار برده شده است که گاه با صفت‌هایی چون «جبل» (کوه)، «ینبوع» (چشمه)، «قطرة الندی» (قطره شبنم) و ... سعی در ترسیم ویژگی‌های شخصیتی امام(ع) است، برای نمونه:

«قَدْ تَوَكَّأَتْ يَا جَبَلٌ فَوْقَ رُمُوحٍ... مُحَطَّطٌ
هَكَذَا يُصَلِّبُ الْأَمْلُ بِمَسَامِيرٍ مِّنْ دَمٍ!»

(جمیل، ۱۹۹۶: ۳۵)

ای کوه! بر بالای نیزه‌ای شکسته تکیه دادی. اینچنین آرزوها با میخ‌هایی از خون، به صلیب کشیده می‌شوند.

۲-۵-۲- جاودانگی و پیروزی حقیقی

با نگاهی به اشعار عاشورایی جمیل، این موضوع به سهولت دریافت می‌شود که حماسه امام حسین (ع) با شهادت، رنگین‌تر و پایدارتر شده است. حماسه سرخ او، مدرسه جاودانگی است و بلند همتی آنان، زبان زمانه ستمگر را باز داشته است. نوید جاودانگی شهیدان در قرآن کریم نیز بیان شده است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۹).

شاعر در «النبوءة الثامنة» (پیشگویی هشتم)، پیروزی نیزه‌هایی که قلب حسین (ع) را نشانه رفتند، زیر سؤال می‌برد و می‌بیند که در خیمه امام حسین (ع) شمشیرها شکسته می‌شود؛ با این وجود، نبض زندگانی در رگ‌های بریده حسین (ع) باز نمی‌ایستد:

«مَنْ قَالَ إِنَّ الرَّمْحَ الَّذِي خَطَفَتْ قَلْبَهُ / انْتَصَرَتْ؟ / لَمْ يَزَلْ فِي خِيَامِ الْحُسَيْنِ رَمَادًا / وَكَسْرَةَ سَيْفٍ / وَرَفْضًا! / لَمْ يَزَلْ فِي وَرِيدِ الْحُسَيْنِ الْمُقَطَّعِ نَبْضًا!» (همان: ۱۶۰).

چه کسی گفت نیزه‌هایی که دل او را ربودند، پیروز گشتند؟ هنوز در خیمه حسین، خاکستر و شکسته‌های شمشیر و ابا وجود دارد، هنوز نبض رگ‌های بریده حسین می‌زند!

در رؤیای پانزدهم، شاعر پس از بیان شهادت امام (ع) و پس از آنکه دشمن بر پیکر پاکش اسب می‌دواند، حضرت را می‌بیند که با مسیح (ع) می‌آیند:

«سَيَجِيءُ الْحُسَيْنُ يَوْمًا، يَجِيءُ الْبَحْرُ فِي خَطْوِهِ ... يَجِيءُ الْمَسِيحُ»

(همان ۵۱)

۲-۵-۳- شهادت طلبی و ظلم‌ستیزی

نهضت امام حسین (ع) مهم‌ترین حرکت دسته جمعی در جهت مقابله با ظلم و ستم بود و حرکت‌هایی که پس از آن صورت گرفت، منجر به سقوط خلافت اموی شد. ظلم‌ستیزی، از موضوعاتی است که با این حماسه پیوندی تمام دارد.

ظلم‌ستیزی و سازش‌ناپذیری، یگانه روزنه‌ای است که شاعر عصر کنونی، آن را پیش روی آزادگان گیتی ترسیم می‌کند «بی عدالتی، سخت‌گیری‌های موجود، روحیه سازش‌ناپذیری سران، تسلیم و ناامیدی از تحولات اساسی در جامعه عرب، فقدان رهبری واحد در میدان مبارزه و فساد رهبران حاکم باعث گردید تا شاعران با الهام از عاشورا، صفاتی را از شخصیت امام انتخاب و در اشعارشان منعکس کنند که برخلاف روحیه حاکم در جامعه باشد. حضور امام به عنوان یک مبارز در عصر حاضر و پیوند میان قیام کربلا و حوادث جاری جامعه عرب، از ویژگی‌های شعر عاشورایی امروز است» (آلبویه لنگرودی و انصاری، ۱۳۸۹: ۲۶).

جمیل، نهضت امام(ع) را در روزگاری می‌بیند که بیدادگری به اوج خود رسیده است:

«خَانِيكَ ... مَا عَادَ لِلطَّيْنِ مَعْنَى / وَلَا الْبَحْرُ أَرْزَقُ / لِأَنَّكَ غَيَّرْتَ أَشْيَاءَهَا / وَتَمَرَّدْتَ فِي زَمَنِ يَتَمَرَّقُ / غَرِيبٌ أَتَفْقِدُ أَبْعَادَهَا الْكَلِمَاتُ؟ / غَرِيبٌ ... أَتَصُمْتُ أَنْتَ ... وَجُرْحُكَ يَشْهَقُ؟» (همان: ۶۹-۷۰).

با من مهربانی کن... دیگر نه خاک را معنایی مانده و نه دریا را رنگی؛ چرا که تو حقیقت اشیا را دگرگون ساختی، تو در زمانی چاک چاک شده (از ستم) خروج نمودی. عجیب است آیا کلمات ابعاد خود را گم نمودند. شگفت است... آیا تو، خودت سکوت می‌کنی و زخم‌هایت ناله می‌کنند؟

۲-۵-۴- صبر و پایداری

از ارزش‌های عظیمی که یاران امام حسین(ع) ترسیمگر آن بودند، صبر و ایستادگی است. بهترین نمونه ایستادگی در این مجموعه، در قصیده «البعث الثابت» (بعد پایدار) تجلی یافته است. در این بُعد، شاعر شکیبایی یاران و ثبات قدم آنها را با بیان آمیخته با نمادها توصیف کرده است، یارانی که امام(ع) درباره ایشان می‌فرماید: «إِنِّي لَا أَغْلَمُ أَصْحَابًا أَوْلَىٰ وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي» (طبری، بی تا، ۵: ۴۱۸). آنها که با سر سختی، سکوت و فضای آلوده زمانه را درهم می‌شکنند:

«نَحْنُ وَعَدُّ الْمَاءِ الْأَسِيرِ الَّذِي يَطْلَعُ مِنْ شَفْرَةِ تَحْزُنِ الدُّبُولَا
فِي يَدِينَا أَشْيَاءٌ مِنْ صَخْبِ الْبَحْرِ رَجَمْنَا بِهَا السُّكُوتَ الطَّوِيلَا»

(همان: ۹۱)

آنها ندای حسینی را میعادگاه واپسین خود می‌بینند، پناهگاهی که در آن شکست را به فراموشی خواهند سپرد:

«كَانَ صَوْتُ الْحُسَيْنِ مِرْفَأَنَا الْمَوْعُودِ وَالذَّفَاءُ، وَالْهَرُوبُ الْجَمِيلَا
حَيْثُ نَسَى ضِيَاعَنَا، وَانْكَسَارَاتِ رِوَانَا، وَخَطُونَا، وَالرَّحِيلَا»

(همان: ۹۱)

۲-۵-۵- رثای شهیدان

پرداختن به جنبه‌های سوگ و رثای شهیدان، از دیرباز با سروده‌های حسینی پیوند خورده است؛ ولی باید به این نکته توجه داشت که توجه صرف به این جنبه، این نوع سروده‌ها را از شور حماسی موجود در عاشورا باز می‌دارد. به گفته یکی از صاحب‌نظران: «مهم‌ترین جان مایه تأثیر در هر شعر آیینی که برای کربلا سروده می‌شود، باید نشان دادن روح حماسی دلاوران کربلا باشد» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۲۹).

در این مجموعه، اهتمام شاعر به بیان جنبه‌های حماسی است. بسامد پایین صحنه‌هایی که به نوعی در توصیف سوگ حادثه است، نشانی از آن دارد. در سروده «المشهد الثامن»، صحنه هشتم، آرزو و سوگ پرندگان و ابرها در غم شهادت حسین (ع) را بیان می‌دارد:

«عِنْدَمَا مَاتَ الْحُسَيْنُ / ظَامِئًا / صَارَتْ عَصَافِيرُ الْبَحَارِ / تَتَمَنَّي الْإِنْتِحَارَ / وَتَمَنَّي الْغَيْمُ
لَوْ أَصْبَحَ شَيْئًا هَامِشِيًا / كَالْغِبَارِ [...] يَوْمَهَا كُنَّا بِلَا مَعْنَى / كَمَنْ يَعْفُرُ قَلْبًا فِي الْجِدَارِ»
(همان: ۷۶-۷۷).

و همچنین در جای دیگر چنین می‌خوانیم:

«بِعْيُونِهِ تَبْكِي مَلَائِكَةٌ وَبِجُرْحِهِ يَتَوَضَّأُ الْمَاءُ!!»

(همان: ۱۷)

فرشتگان با چشم‌های او می‌گریند و آب با زخم او وضو می‌گیرد!

۲-۵-۶- تشنگی حقیقی

در حادثه کربلا، آب و عطش لازم و ملزوم یکدیگرند. سپاه دشمن، با بستن آب، قصد تسلیم نمودن خاندان رسالت (ع) کردند. به نقل تاریخ، سه روز قبل از عاشورا با

محاصره فرات، خیمه گاه امام (ع) در تنگنای تشنگی قرار می گیرند. وقتی امام سجاد (ع) نیز پیکر ایشان را دفن کردند، با انگشت روی قبر پدر چنین می نگارند: «هَذَا قَبْرُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، الَّذِي قَتَلُوهُ عَطْشَانًا» (محدثی، ۱۳۸۷: ۲۴).

جمیل در بیان این موضوع، به بُعد عاطفی و احساسی آن توجه نمی کند؛ بلکه، تشنگی حقیقی از نگاه او تشنگی دشمن است. وی در تصویری زیبا در شعر «البعء الخائف» از تشنگی برخی از افراد دشمن می گوید:

«عَطَشٌ كُلُّهَا حِكَايَاتُ رُوحِي وَصَدَى أَتَى بِهَا مَكْبُوتُ
فاحفري في الرماد بُرّاً لَكِي يَطْلُعَ مَاءً مِنْ مَلْحِهِ مَنْخُوتُ
رَبِّمَا قَطْرَةٌ تَمُرُّ بِشَرِيَانِي فَأَنْسَى ... وَأَنْظَفِي ... وَأَمُوتُ»
(همان: ۱۰۰)

داستان های روح من، همگی داستان تشنگی است و پژواک آهم در آن خاموش است، در خاکسترها، چاهی حفر کن تا آبی (ساختگی) از نمک هایش برون آید، شاید قطره ای از آن در رگ هایم جاری شود (تا حادثه را) فراموش کنم، خاموش شده و بمیرم.

۳- نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد، به نظر می رسد سروده های جواد جمیل در این مجموعه، در کنار وحدت کلی موضوع تا حد بسیاری از تنوع مضامین و درونمایه بهره برده است. نگاه همه جانبه شاعر به چستی حادثه و تلاش برای الگوگیری از این حماسه و پیوند آن با امروز، از ویژگی های مهم سروده های اوست. جمیل برای بیان مفاهیم ذهنی و آفرینش تصاویر مورد نظر خویش به نمادگرایی روی آورده است؛ از این رو، گاه دریافت معنای سروده های وی دشوار می نماید. شاعر به پشتوانه تخیل و ارتباط با عناصر بی جان، به سروده هایش تحرک و پویایی بخشیده است.

از نظر درونمایه و مضامین عاشورایی نیز، به نظر می رسد شاعر به ترسیم جزئیات گرایش دارد، توجه به شخصیت های حاضر در سرزمین کربلا و پرداختن به ویژگی های آنها و گرایش به بیان حماسی حادثه کربلا از برجسته ترین نکات موجود در این مجموعه شعر است.

یادداشت‌ها

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به «مقتل الحسین (ع)» اثر «ابن مخنف» و «مقاتل الطالبین» ابوالفرج اصفهانی.
۲. طفّ در لغت به معنای «ساحل البحر» و «جانب البحر» است و کربلا چون در ساحل رود فرات قرار گرفته است، به این نام معروف گشت (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۸، ۱۱۷).

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمّد بن مکرم، (۱۴۰۸ ه.ق). **لسان العرب**، تعلیق علی شیری، ج ۸، بیروت: دارالتقافة.
۳. جمیل، جواد، (۱۹۹۶ م). **الحسین** لغة ثانية، قم: المجمع العالمي لأهل البيت (ع).
۴. ——— (۱۴۰۶ ه.ق). **صدی الرفض والمشقة**، طهران: معاونیة العلاقات الدولية فی منظمة الإعلام الاسلامی.
۵. ——— (۱۹۹۱ م)، **للتوّار فقط**، بیروت: دارالفرات.
۶. شبر، جواد، (۱۴۰۰ ه.ق). **ادب الطفّ**، ج ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۷. شمس‌الدین، محمدمهدی، (۱۴۱۷ ه.ق). **واقعة كربلاء فی الوجدان الشعبي**، بیروت: المؤسسة الدولية للدراسات والنشر.
۸. طبری، محمّد بن جریر، (بی تا). **تاریخ الأمم والملوک**. ج ۵، بیروت: دارالقاموس الحدیث.
۹. کرباسی، محمّدصادق محمّد، (۱۴۲۱ ه.ق). **دائرة المعارف الحسينية**. ج ۱، لندن: المركز الحسيني للدراسات.

منابع فارسی

۱۰. آل‌بویه لنگرودی، عبدالعلی؛ انصاری، نرگس، (۱۳۸۹ ه.ش). «**سیمای امام حسین (ع) در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی با تکیه بر اشعار برجسته شاعران سده اخیر**»، نشریه ادبیات تطبیقی (علمی پژوهشی)، سال دوم، شماره سوم.
۱۱. افتخارزاده، محمودرضا، (۱۳۷۴ ه.ش). «**ادبیات عاشورا، در دوره امامان علیهم السلام (۶۱-۲۶۰ ه)**»، مجموعه مقالات کنگره‌ی بین المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ عاشورا، دفتر اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

۱۲. پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۷ ه.ش). **رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی**، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. خزعلی، انسیه، (۱۳۸۳ ه.ش). **امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی**، تهران: امیرکبیر.
۱۴. داد، سیما، (۱۳۸۷ ه.ش). **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، تهران: مروارید.
۱۵. روشنفکر، کبری؛ اسماعیلی، سجاد؛ زارع برمی، مرتضی، (۱۳۸۵ ه.ش). «**درونمایه‌های مقاومت در شعر جواد جمیل با تأکید بر دفتر شعری (أشیاء حذفها الرقابه)**»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه کرمان، شماره دوم (۳-۴)، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۶. سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۵ ه.ش). **راز رشید: مجموعه شعر عاشورایی**، تهران: سوره مهر.
۱۷. کافی، غلامرضا، (۱۳۸۶ ه.ش). **شرح منظومه‌ ظهر: نقد و تحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا امروز**، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۱۸. کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۶۸ ه.ش). **زیباشناسی سخن پارسی: بیان**، تهران: نشر مرکز.
۱۹. لوشر، ماکس، (۱۳۸۴ ه.ش). **روانشناسی رنگ‌ها**، ترجمه ویدا ابی‌زاده، تهران: درسا.
۲۰. محدثی، جواد، (۱۳۸۷ ه.ش). **فرهنگ عاشورا**، قم: نشر معروف.
۲۱. محمدزاده، مرضیه، (۱۳۸۳ ه.ش). **دانشنامه شعر عاشورایی: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم**، ۲ ج. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶ ه.ش). **حماسه حسینی**، ج ۱، تهران: صدرا.
۲۳. موسوی گرمارودی، علی، (۱۳۸۸ ه.ش). **آغاز روشنایی آیین**، تهران: سوره مهر.

منابع اینترنتی

۲۴. روزنامه الشرق الأوسط، چهارشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۲۳/۱۲۳ اکتبر ۲۰۰۳، شماره: ۸۷۳۰
<http://www.aawsat.com/details.asp?section=19&article=131408&issuen=8730#.UnZNN6wUiX8>